

متن پرسش

با عرض سلام: نظر شما راجع به این مطلب که اکبر جباری در صفحه ی فیسبوکش گذاشته چیست ؟
هو ** کتب تاریخ، به مثابه متون مقدس یکی از مسائل بغرنج نزد عامه دینداران (خاصه شیعیان) تقدیس منابع تاریخی است. چندانکه اگر در یک موضوع و مسأله و یک کتاب تاریخی تشکیک کنی، بی درنگ به تیغ تکفیر نوازشت خواهند داد. این تقدیس کتب تاریخی، علاوه بر تشدید روحیه خشونت گرایی و تکفیری، و تقویت «اعتقادات» و تضعیف «ایمان»، انسداد باب تفکر و عقلانیت را نیز به همراه خود به ارمغان می آورد. بسیاری از باورها و اعتقادات سست و بی پایه شیعیان تاریخی از کتابی نشأت می گیرد که امروزه با نام «اسرار آل محمد» نام دارد که توسط فردی به نام «سلیم بن قیس الهلالی» در اوایل قرن چهارم هجری در آمده است. این کتاب از طریق «احمد بن هلال العبرتایی» غالی لعن شده، نقل شده است. شیخ مفید این کتاب را سست و ضعیف می داند و می نویسد: «کتاب، غیر موثق می باشد و عمل به اکثر کتاب جایز نیست چون در کتاب تخلیط و تدلیس صورت گرفته و برای متدین واجب است از عمل به اکثر کتاب احتراز جوید و نباید از این کتاب تقلید و روایت شود» شیخ مفید از شیخ صدوق نیز انتقاد می کند که چرا به این کتاب سست و مجعول روایت نقل کرده است و بدان استناد جسته! * همین مبنای ایدئولوژیک نزد محدثین و فقیهان متقدم، باعث شده است که با کمال تعجب شاهد افزایش احادیث نسبت به منابع نخستین باشیم. برای مثال کتاب «بصائر الدرجات» که پیش از «کافی» و توسط استاد کلینی نگاشته شده، مشتمل بر ۱۸۸۱ حدیث باشد، ولی کتاب کافی که بعد از آن نوشته شده، بالغ بر ۱۵ هزار حدیث است. و هرچه به این سو می آییم، حجم کتب حدیثی بیشتر و بیشتر میشود و هیچ کس هم متعرض این نکته نمیشود که چرا هرچه از دوره غیبت معصوم میگذرد، تعداد احادیث بیشتر میشود و چگونه است که نخستین محدثین که در زمان معصوم زیسته اند، احادیث کمتری نقل کرده اند؟! گرچه امروزه به وضوح بسیاری از محققین نسبت به صحت و سقم احادیث «کتب اربعه» تشکیک کرده اند و فی المثل نشان داده اند که بیش از دو سوم احادیث کتابی مانند «کافی» مجعول است، ولی با این حال تأثیر گسترده و عمیقی که این احادیث و این کتب بر فرهنگ شیعی نهاده را نمی توان نادیده گرفت. فرهنگی که امروزه در زیست جهان شیعی ایرانی به وضوح می توان آن را دید و برایش گریست. *چنانکه می دانیم، شیخ مفید در عین حال که فقیه مبرز بود، از متکلمین بزرگ نیز به شمار می رفت. شاید همین مبنای عقلی، او را برآن می داشت تا با نگاهی دقیق و عاقلانه به امور بنگرد. با تشکر فراوان

باسمه تعالی: سلام علیکم: مشکل ما اظهار نظر غیر عالمانه است. آری هر محدثی در آن حدّ که در زمان خود می‌توانسته به احادیث معتبر دست یابد تلاش کرده. به نظرم اگر یک مجتهد در حدیث به نوشته‌ی آقای جبّاری نگاه کند به خوبی متوجه نظرات غیر عالمانه‌ی او می‌شود. ایشان حتی در این حدّ متوجه نیست که کتاب «بصائر الدرجات» در موضوع خاصی نوشته شده و در همین رابطه احادیث مربوطه جمع آوری شده اند. ولی مرحوم کلینی در «کافی» با وسعتی بسیار چشم‌گیر در مورد موضوعات مختلف به جمع‌آوری احادیث پرداخته، آن وقت باید تعداد احادیث این دو کتاب مساوی باشد؟ آقای جبّاری این نکته را خوب می‌داند ولی به نظر بنده با مقایسه‌ی این دو کتاب می‌خواهد مأموریت خود را که بی‌ارزش کردن احادیث ارزشمند شیعه است به اتمام برساند و گرنه به خوبی می‌داند محتوای کتاب سلیم بن قیس هلالی بنا بر شواهد مجامع روایی ما کتاب معتبر و ارزشمندی است و این بدین معنی نیست که آن کتاب هیچ ضعفی نداشته باشد. ایشان تا آن جا در مأموریت ناجوانمردانه‌ی خود جلو می‌رود که می‌گوید: امروز بعضی از محققین نسبت به صحت و سقم احادیث «کتب اربعه» تشکیک کرده‌اند. و فکر می‌کنم اگر از ایشان بپرسید این محققین چه کسانی هستند، مجبور است چند مستشرق صهیونیست را که در انجام مأموریت با آنها مشترک است نام ببرد. می‌خواهند با تشکیک در کتب روایی ما اهل البیت را از صحنه خارج کنند تا حرف های خود را بر قرآن تحمیل نمایند خطر این افراد بسیار زیاد است. موفق باشید